سال دوم شماره ۱۸۲ — صبح پنج شنبه ۲ شهریور ماه ۱۳۲۳ — تك شماره یکریال و نیم

آذیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

آذیر روزهای یکشنبه - سه شنبه - پنجشنبه منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

« بهای اشتراك »
سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دوائر صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها بادفتر اداره است

جای اداره :
(خیابان لاله‌زار - پاساژ بهار)

قتل عام کارگران تبریز را هنوز رسیدگی کامل نکرده اند

دستهای خیانتکار دارند بر علیه کارگران مقتول و زخمی پرونده می سازند.

قاتلین و مسببین کشتار تبریز با کمال آزادی سر جای خود مستقر بوده بر ضد کارگران بی گناه مدارك تهیه میکنند. کارگران تمام شهرستانهای ایران از شنیدن خبر این عاجز کشی سخت متنفر هستند. اولیاء امور باید عقبه این حرکت مغرضانه را از حالا پیش بینی کرده نگذارند سازمان دادگستری رژیم دموکراسی آلت دست مغرضین واقع بشود.

مرگ بر قاتلین کارگران تبریز!...

سوم شهریور روز عبرت است

نه روز ماتم و نه روز جشن

فردا یکبار دیگر روز سوم شهریور میرسد ، بعضی ها این روز را روز عزای ملی میشمارند بعضی دیگر روز عید حساب میکنند عده دیگر که اکثریت ملت را تشکیل میدهند اصلا باین قبیل مسائل توجهی ندارند و رشد سیاسی آن‌ها بحدی نرسیده است که حوادث چند ساله که سهم است حتی چند روزه را بتوانند بخاطر آورده درباره آنها قضاوت و یا اظهار احساسات بکنند. این ها افکارشان کوتاه‌تر از آن است که بتوانند درهلال حوادث تاریخی غور و رفته از آنها برای آینده نتیجه بگیرند.

جوبخش و احساسات منفی و مثبت این‌ها آنی است در تحت تاثیر پیش آمدهای روز زندگی میکنند طرفداران عزا و جشن ملی سبت باین دسته اخیر در اقلیت بسیار معدودی هستند

اکثریت مانند همیشه می‌قیود خون سرد و تماشاچی و بی طرف خواهند بود.

نگارش روزنامه ها قطعا تاثیر عقاید اقلیت تا چیزی بوده فعالیت‌شان از دائرهٔ طبقه منور و روشن فکر خارج نخواهد گردید.

ملت بطور کلی از گفته و نوشته های آن‌ها کوچکترین استفاده ای نخواهد کرد.

بهرحال روز تاریخی سوم شهریور میرسد. ما نه طرفدار عزا نه خواهان جشن هستیم زیرا از آن قبیل تظاهرات تابحال نتیجه و حاصلی ندیده ایم بعقیده ما سوم شهریور روز عبرت است

روزی است که هر سال ملت ایران باید وضعیت پیش از آن را بکبار دیگر در نظر بگیرد و علل و موجباتی را که سبب پیش آمدن آن شده است بدون دخالت دادن احساسات موافق و مخالف خصوصی خود تجزیه و تحلیل نماید. از آن برای آینده و تعیین سرنوشت کشور استفاده بکند.

حادثه شهریور بیك پیش آمد تصادفی نبود آن عامل و سببهای بسیاری داشت که جنگ جهانی و موقعیت جغرافیائی ایران از مهمترین آنهاست. این هم مطلب جالب توجهی است که نویسندگان باید در اطراف آن بموقعش موشکافی نمایند.

جنگ ملت ایران را غافل گیر کرد در صورتی که از چندین سال پیش تمام ملل عالم آن را پیش بینی کرده سیاست ملی خودرا روی آن قرارداده بودند.

بدبختانه ملت ایران زبان و قلم و فکرش آزاد نبود باو اجازه نداده بودند در سرنوشت خود دخالت و برای تعیین موقعیت سیاسی و بین‌المللی خود اظهار عقیده بکند مردم ایران حتی وزراء و نمایندگان درونی آن هم آزادی فکر و عقیده و عمل نداشتند. می گفتند تمام اختیارات کشور دست صاحب و مالك آن است اوست که باید فکر بکند تصمیم بگیرد و آن تصمیم را طبق دلخواه خود بموقع اجرا بگذارد.

همه می‌دانیم که شاه سابق باتمام هوش و زرنگی خود یك آدم بیسواد و عامی بود بغیر از شهرهای ایران از عالم خبر نداشت در تریکهم غیر از تشریفات ظاهری چیز دیگر دستگیرش نشده بود باوجود این در اثر تملق و چاپلوسی اطرافیان امر بخودش مشتبه شده خودرا آدم فوق العاده و نابغه تصور می کرد.

حقیقتا باور کرده بود که در عالم فوق او کسی نیست همه چیزرا می داند و نظرش در تمام مسائل سیاسی صائب است حتی سیاست ممالك بزرگ عالم‌را هم میتواند تغییر بدهد

بی‌چاره مخصوصا از مشاهده سیاست ملایم و خفیف دوره بیست ساله همسایگان خود را گم کرده اغفال شده بود تصور می کرد واقعا کشور ایران آن قدر قوی شده است که حتی دولتهای بزرگ هم از او حساب میبرند.

از همه بدتر منابع اطلاعات او بود اگر چه اوایل سلطنت خود مخصوصا هنگام زوالت جنگ و نصیحت وزیری شخصا می توانست باموز اجتماعی و آرتش رسیدگی بکند و از نزدیك روحیه و توانائی آن‌ها را بیازماید ولی با مرور زمان از مردم و از آرتش کاملا دور شده بود. راجع باموز مملکت فقط از پلیسهای شهربانی معلومات میگرفت در واقع مختاری که زمام فکر و احساسات اورا بدست گرفته بود پاسیل و اراده خود او را بر طرف که میخواست میکشید. فرق نمیکند سر لشکرها و آجودانهاهم غیر از چاپلوسان ترسو و جبون او چیز دیگر نبودند و نقش دیگری نمیتوانستند بازی بکنند و همه اینها در اثر وحشت و بیم و ترس ناچار بودند گزارشهای خود را طوری تنظیم بکنند که اسباب تکدر او نشود. زیرا میدانستند که یك گزارش نا مطلوب کافی است درجه و مقام و حتی جان خود را بخطر بیندازند. طوریکه گفتیم هیچ گونه جای تردید و شبهه نیست که شاه از وضعیت و روحیه آرتش اطلاع نداشت افسران خودشان هم نمیدانستند چکار میکنند اصلا آرتش ایران دست هنر میگوید امیر لشکرها و سرتیپ ها حتی سرهنگ های آرتش متبوطترین مردمان کشور را تشکیل می دادند خود شاه البته با حرص و ولع بی پایان خود برای آنها سرمشق بوده.

مثلا خدایارخان بلوك شوربار را بچنك آورده بقول خودش آنجا را آباد کرده میخواست در مقابل درجه سرلشکری عوض تربیت آرتش عوض تنظیم نیروی ملی بجای وظیفه مستقیم خود با فروش انگور و زرد آلو بملت یعنی بجیب خود خدمت بکند. سرپیدا احمدی خیابانهای تهران را باخانه های بیسد و شماری که با پول بنا شده از ارستان بدست آورده بود ترتیب میکرد و یکنفر امیر و زاپهبد اعظم در مستقلات شوری خود چهار صد دستگاه کنسرو بزی یعنی چهار صد خانه با آپارتمان درست و حسابی داشت.

کریم آقای معروف از روی نقشه معینی خانه های بیچاره گان را به بهانه خیابان سازی از چنك‌شان در میاورد سایر سرلشکرها و سرتیپ‌ها بهمین منوال برای کسب مال و جاه شخصی کوشیده سر دوشی و درجه و رتبه را باکمال وقاحت در این راه بکار میبردند خود شاه هم بدختیهای باغ سعدآباد و دهات مازندران بیشتر توجه داشت تا بوضعیت واقعی ارتش آرتش ایران در عمل نان‌دادنی عدهٔ افسران واقع شده از سرجوقه گرفته تا خود شاه همگی از این راه سوء استفاده میکردند شاه ارقام بزرگ را مهر بود آجیزو وکیل باشی بدزدیدن نخود و لوبیا و پنیر و نان طمع داشتند.

سرباز بیچاره هم اینها را با چشم خود میدید و میفهمید که همه بند و بساط و زرق و برق برای اغفال او و مردم یعنی پدر و مادر اوست و انگهی طرز معامله با سرباز تنك آورو قبیح بود جیره اش را دزدیده با هکم گرسنه وادار می کردند از بامدادتا شام درجا بزند. تازه بغیر از فحش و ناسزا و تحقیر و زده چیزی نیاموخته بود باوجود این شاه نادان خیال میکرد که میتواند در مقابل نیروهای عظیم خارجی استقامت نماید تصور مینمود که زره میدان جلالیه واقعا وضعیت واقعی آرتش را مایش میدهد.

یا اغلا خیال میکرد که دیگران نمیتوانند از داخل آرتش اطلاع داشته باشند از همه اینها بدتر بی اطلاعی خود او بود از اوضاع آرتشی و از تکنیك و تشکیلات نیروی معاصر دیگر از فکر شان نداشته فارسا و محدود بود خیال میکرد آرتش دنیا مانند آرتش ایران است که وقتی او در آن سرباز بوده است.

بنا بعدم سواد و عدم آشنائی به زبان‌های خارجه خودش مستقیما از ترقیات معجز الفعل عالم ممکن نبود خبر داشته

باقی در صفحه ٤

از مطبوعات خارجی

مسئله نفت هرمستان

لوله نفت مزبور متعلق به دولت امریکا خواهد بود و دولت مزبور امور بهره برداری آنرا بعهده خواهد داشت. شرکت های مزبور موافقت کرده اند در ظرف مدت ۲۵ سال بهای ساختمان لوله نفت و رنج آنرا بدولت امریکا بپردازند. صرف نظر از یکصد وشصت و پنج میلیونی که دولت برای ساختمان لوله نفت بکار می‌اندازد شرکت‌های نفتی امریکا در نظر دارند منابع هنگفتی نیز از قبل خود خرج کنند. از آنجمله است دهست و دو میلیون دولار برای ساختن کارخانه نفت در کرانه مدیترانه، پنجاه میلیون دولار برای حفرچاه های آزمایشی در ظرف دو سال آینده و ساختمان لوله‌های فرعی کوچك که به لوله اصلی سرتاسر هرستان متصل خواهد شد وشصت میلیون دولار برای توسعه تصفیه خانه‌ها و ساختمان شهر جدید در ساحل خلیج فارس و غیره. همینکه این شرکت ها حاضرند پیش از دویست میلیون دولار از جیب خود مصرف کنند نشان میدهد که تا چه اندازه از نقطه نظر تجارتی این اقدام و اشایان توجه وجدی تلقی میکنند.

در روزنامه انگلیس « نیوز آف وورلد » خبری نشر شده که تاریخ پیش آمدهای اخیر « نفتی » را از بعضی جهات روشنتر میکند. این روزنامه درسال ۱۹۲۲ نیز اخبار صریحی درباره کنفرانس ژن واینکه انجمن مزبور برای امور نفتی تشکیل خواهد منتشر نمود وهویت بسزائی پیدا کرد. اری روز نامه مزبور در نوامبر ۱۹۴۳ چنین مینویسد:

« در لندن مذاکرات مهمی جریان داود که خبرگان انگلیسی وامریکائی و هلندی و فرانسوی در آن شرکت میکنند. از آنجائیکه روسها بنا بر طن غالب به‌تمام مقدار محصول نفتی خود احتیاج خواهند داشت وآلمانی‌ها نیز نفت رومانی را از حیز انتفاع و استفاده خواهند انداخت بالنتیجه تنها منابع نفتی که اسپانیا نزدیك امریکاست عراق و ممالك مجاوره آن میباشد.

در نظر است لوله خط جدیدی که به کرانه شرقی مدیترانه منتهی گردد ساخته شود واین لوله درواقع مکمل لوله نفت حیفا به طرابلس خواهد بود. لوله مزبور ده میلیون لیره تمام خواهد شد و مقدار زیادی فولاد در آن بکار خواهد رفت. از آنجائیکه اراضی نفتی در تحت کنترل بین‌المللی قرار دارد برای انجام این امر مذاکرات پیچیده وطولانی ضرورت خواهد داشت ».

مفاد این مقاله بیشتر اتظاهرات و آرزوهای بعضی از محافلی را که با او پسنده آن نزدیکند منعکس میکند و نمیتوان گفت که کاملا وضعیت واقعی را تشریح نماید. درهر حال امریکائیها عوض اینکه مذاکرات پیچیده وطولانی با انگلیسها و هلندیها و فرانسویان بعمل آورند بهتر بدیدند مستقیما با هرستان سودی سر وکار داشته باشند ودر صددند بیمانی منعقد کنند که یکی از بزرگترین منابع نفتی جهان که در تحت کنترل بین‌المللی نیست تحت کنترل آنان واقع شود.

تمام توجه امریکا بهرستان سعودی معطوف گشته است نه به عراق. زیرا در هران سهام شرکت « ارامکو » بطریق ذیل تقسیم گشته: ۷۵ر۲۳ در صد متعلق به شرکت « منیرابست دولو بینت کوربوریشن » (متحده اویل - امریکا) - ۳۳ر۷ درصد متعلق شرکت فرانسوی نفت (فرانسه) ۷۵ر۲۳ درصد به شرکت رویال داچ شل (انگلستان وهلند) ۷۵ر۲۳ درصد شرکت انگلیس وایران (انگلیس) وپنج درصد به یك از سهامداران بزرگ موسوم به گولبنکیان که روابط بسیار نزدیك با شرکت های نفت انگلیس دارد ودرتحت نفوذ گولبنکیان باین طریق ترقی امور نفت عراق از نظر تحصیل منابع نفتی در تیم کره شرقی بامریکا کمکی نمیتواند بوده.

اگر روسیه را استثناء کنیم از ۳۵ میلیون تن نفتی که از سال ۱۹۳۹ در تیم کره شرقی بدست آمد ده ملیون وچهارصد هزار تن دو ایران که این مقدار صد درصد در تحت کنترل انگلستان است) وهفت میلیون و هفتصد هزار تن در هندهلند استخراج گشته (و از این مقدار ۷۵ در صد تحت کنترل انگلیس است) و از چهار میلیون وسیصد هزار تنی که در عراق بدست آمد ۵۲ر۵ درصد در تحت کنترل آن دولت و یك میلیون وصدهزار تنی که در برمه و هفتصد هزار تن که در مصر تحصیل گشته تماما تحت کنترل شرکت های انگلیسی بود و مقدار مشتابهی از سهام شش ملیون و دویست هزار تن نفتی که در رومانیا بدست آمده تحت کنترل پرتانیای کبیر بوده است.

بقیه دارد

در دایره جیره بندی

پیه مفت بود

آقای صابری که یکی از مشترکین وخوانندگان علاقه‌مند آژیر است چیزهائی را که اثنای گرفتن برگ جیره بندی مشاهده کرده‌اند برای نشان دادن وضعیت درهم دوائر جیره‌بندی لطفاً یادداشت کرده باداره ما فرستاده‌اند، ماخلاصه آن رابرای اطلاع قارئین دراینجا مینویسیم اگرچه این دردی است که عموم است دارد ومردم تهران همگی مبتلای آن هستند و

دوتن از مشاهده ازدحام وزد و خورد وداد وفریادی که دیروز دراداره مرکزی جریان داشت انسان میفهمد بعضی نیت امریکائیان که مستقیماً مسئولیت این کارو را دارند ظنین بشود .

مثلاً اینکه مامورین خودشان بهتر ازاینها این کارو را درآن روزهای سخت قحطی وبیکارگی توانسته بودند انجام بدهند .

آقای صابری مینویسد :

۱ - اداره جیره‌بندی بدون اینکه پیسواری مردم را در نظر بگیرد در روزنامه‌های معین اعلانی منتشر میکند که دارندگان پرسشنامه شماره فلان تا فلان در روز معین در اداره حاضرشده کتابچه جیره بندی خود را دریافت دارند .

مردم بیسواد مردمیکه نمیتوانائی خواندن تمام روزنامه‌هارا ندارند یا با وجود خواندن آن ازمضمون کلمه اعلان سردرنمیآورند ناشنیدن خبر توزیع کوپن معمل توزیع هجوم آورده بدینواسطه ازدحام کثیری بوجود می‌آید فلان پیرزن در دارداره مرکزی بیشتراز ده هزار زن دردیدن و بزرگ گرد آمده بود . ازدحام باندازه شدید بود که انسان نمیتوانست ازمیان جمعیت خودرا بیرون بکشد تازه بعد ازفشار وتقلا وزد وخورد نفس وخشکاری اگر کسی میتوانست خودرا بیرون ازماموروجیره‌بندی برساند اول بصبیت آنجا است آقایان برای مردم مفت سازمان بی سواد و مردمان عامی هزار اشکال بین اصرار ایلی میتراشیدند . یکی میگفتند شماره تو هنوز صادر نشده آن یکی را میگفتند باید باداره جیره بندی مراجعه یکنی دیگری را پس از گرفتن کوپن های کهنه و بعد از مهر کردن مجدد بدون دادن برگ جیره بندی یا رود و برگ از اطاق بیرون میگرداند از کتابچه های بعضی ها چند ورق کنده نزد خود نگاه میداشتند . داد و فریاد واعتراض بیچارگان را کسی گوش نمیداد .

مامورین تالابق و دزد با کمك دلالان که باسم راهنما از مردم پولی گرفتند محشر غریبی راه انداخته بودند

۲ - بدون اینکه قبلاً ازدحام را پیش بینی کرده برای جلوگیری زنان سالمند لازم را تهیه کرده باشند بنظامیها دستور داده بودند بدون ملاحظه مردم وامنفرق و از ازدحام جلوگیری نمایند این خود موجب هرج و مرج خلق شده در نتیجه بلوای مهیبی بوجود آمده بود .

مردم بیچاره را با پاشیدن آب و پتاسیم تفنگ و مشت و لگد میخواستند تفرق بکنند .

جیب برها و دزدها و سارقین از فرصت استفاده کرده شغل خود را باحرارت انجام میدادند .

در اداره میز و صندلی سالم باقی نمانده بود . هموزا سرهم دیگر شکسته بیرون میریختند مامورین مورد کینه و خشم مردم قرار گرفته از دست باجکی اسناد و دفترچه ها را گذاشته فرار میکردند .

۳ - با وجود مجازات سختی که برای خرید و فروش برگ جیره بندی قائل شده اند در همانجا دلالان بطور علنی بخرید و فروش آن اشتغال داشتند از قرار معلوم بهای یك دفترچه از یکصد و بیست الی پانصد و پنجاه تومان است .

حتی در بازار هم دسته های برگ پانصد تائی در دست اشخاص دیده شده است که خرید و فروش میکنند

۴ - علاوه بر این عده زیادی از مردم هنوز هم بدریافت پرسشنامه موفق نشده اند بعد از این هم تصور نمیرود سه این سهولت بتوانند مقصود خود برسند

روبهمرفته آمریکائیان سر گرمی بلکه بلای بزرگی برای مردم ایران درست کرده اند که تماشای آن هم رقت آور وهم کینه است .

تصور نمیرود در هیچ جای دنیا نظیر این بلشویك وجود داشته باشد !

بیچاره ایرانی برای این شلوغی و بدبختی و بیچارگی است که باید سالی چند ملیون ریال از خزانه فقیر شود بعیب چند نفر آمریکائی بیفتد که باندازه یك بچه مکتبی کار بلد نیستند بپردازد نمایندگانیکه برای نکهداری کار شناسان آمریکائی خودکشی میکنند بفرد زحمت داده چند دقیقه در فروشگاه حاضر نشوند و به بینند مستشوا اینکه میگفتند اگر بروند تمام رشته امور اقتصادی ایران بهم خواهد خورد چطور کار میکنند و ملت ایران از کار ایشان چه نتایج نیکوئی بدست آورده است

بفرمایند تماشا بکنند مردم را قانع نمایند جواب کتکها و پس گردنی ها و قنداق تفنگ و آب گرمی که نوش جان میکنند بدهند

از نیویورك هرالد تریبون

وعده‌های گوبلز

گوبلس یك «پیروزی قطعی» را وعده داده و میگوید ولی باید «آلمان ها جنك کنند ، کار کنند . یك کمی هم ثبات وپشت کار داشته باشند»

دکتر گوبلز بمردم آلمان وعده میدهد که : اگر آنها جنك کنند و کار کنند ، اگر آنها بقدرات سخت تعهدات عمومی تن بدهند ، اگر آن ها کمی پشت کار داشته باشند ، وضعیت اوضاع آلمان بهتر شده و پیروزی محقق خواهد گشت . او از اصلاحهای موهش جدید گفتگو میکند و بالاخره باره شورش بستم جولای مانند یکنفر آلمانی فاتح صحبت کرد زیرا آن شورش موفق نشده بود هیتلر را از میان بردارد

از گفتار گوبلز بك حالت پاس و نومیدی پدیدار است . او مانند یك شخص فاتح از پیروزی سخن نراند بلکه بوسیله این دروغ کوشش کرد ارزی متشتت یك تشکیلاتی را که مشرف بپراکنده است جمع آوری نماید . هنوز روز های سختی درعقب مانده است تا آلمان ازبادر آید ولی حتم و مسلم است .

گوبلز با اسلحه های موهش خود دنیا را تهدید میکند و لندن هم جدا مورد اصابت بمبهای بالدار با اسلحه موهش گوبلز قرار گرفته است و برای این است که ایروهای بازی برای دفع شکست های سختی

مردم پاریس فرزندان خلف انقلاب کبیر یك قرن و نیم پیش یك بار دیگر بکارشگرفی دست زده پس از چهار روز جنك خونین پیش از رسیدن نیروی متفقین آلمانیها را از شهر بکلی راندند. شهر پاریس امروز دست خود ساکنین دلیر آنجا است.

علاوه بر پاریس چهارده ایالت دیگر فرانسه بدست شورشیان داخلی افتاده است بزودی ملت فرانسه میهن خود را از چنگ دشمن خلاص خواهد کرد.

ما این ملت غیور آزادیخواه را از صمیم قلب درود و شاد باش میگوئیم.

مقاله تفضیلی در شماره آینده

تشکیل جلسه برای همکاری با مطبوعات

دو ساعت بظهر دیروز بنا بر حسب دعوت آقای نخست‌وزیر کمیسیونی در تالار عمارت هیئت وزیران مرکب از آقای نخست وزیر و آقای وزیر دادگستری و آقای عدل وزیر مشاور و جمعی از مدیران جرایدو چند نفر از نمایندگان مجلس تشکیل گردید وابتدای جلسه آقای وزیر دادگستری منظور دولت از تشکیل این کمیسیون را شرح زیر باستحضار حضار رسانیدند:

۱- تشکیل این جلسات بمنظور روشن کردن مسائل مربوط بسیاست خارجی و داخلی است تا در نتیجه شور و بحث و راهنمائی نمایندگان مجلس و ارباب جراید دولت حد اکثر استفاده را نموده و سیاست خود را تشریح و مسائلی هم که تبلیغ و تذکر آنها در جراید از لحاظ تقویت سیاست دولت و حفظ منافع مملکت مفید باشد گوشزد و با ایجاد حسن تفاهم تشریك مساعی بیشتری بین دولت و مطبوعات ایجاد نماید

۲- مذاکره و اتخاذ رویه مدبرانه نسبت بمطبوعات که هم مقررات قانون اساسی و قوانین موضوعه ما با توجه بآزادی قلم رعایت شود و هم از سوء استفاده از آزادی بنحوی که بحال کشور خصوصا مناسبات خارجی دولت مضر واقع شود با تشریك مساعی خود ارباب جراید از آن احتراز گردد

۳- بحث و تبادل افکار راجع بکلیه مسائل مملکتی و تشریح سیاست دولت برای مطبوعات در کلیه موارد ضروری

در پیرامون منظور بالا مذاکرات مفصلی جریان یافت و در طی آن نسبت بنقض قوانین مربوط بمطبوعات مخصوصا لزوم تغییر ماده ۸ حکومت انتظامی بحث زیادی شد و تا یکساعت بعد از ظهر این جلسه بطول انجامید و جلسه بعد بروز چهارشنبه آینده موکول گردید و قرار شد هر هفته این جلسه برقرار شده تا همکاری بیشتری بین دولت و مطبوعات در مجلس فراهم گردد

کشف شناسنامه های جعلی

روز ۳۱ مرداد رضائیه خورداری با مقداری شناسنامه جعلی که مشغول تهیه پرسش نامه مورد مورد بود ظن فراو گرفته و توسط هیئت بازرسی منطقه ۴ بخش یك باز داشت می گردد و در بازجوئی جرم مشارالیه محرز و پرونده باقای سرهمد مدیر کل بخش داده میشود همچنین مقداری کوپن که یك برك آن را مامورین بخش گنده بودند توسط آقایان کاظم، میرشب، رضا بصیری، نیومی وعظیمی بازرسان ویژه در این بخش کشف میگردد.

چاپ سنگی
انتهای امیریه - تلفن ۶۲۵۸

مهمترین خبرهای جهان

تصرف تولن بدست نیروهای فرانسوی

الجزیره - طبق گزارش خبرگزاری انگلیس رادیوی فرانسه دیروز خبرداده است پس از حمله‌ای که نیروهای فرانسوی بر بیرون بشهر تولن کرده‌اند دیروز آن شهر بتصرف آن‌ها در آمده است.

...

مسکو - چنانکه دنکان هوپر فرستاده مخصوص خبرگزاری انگلیس روز سه‌شنبه تلگراف کرده است امروز درجبهه بالتیك یکی از بزرگترین پیکار های جنك که پس از واقعه استالین گراد تاکنون نظیر آن دیده نشده است جریان دارد.

شماره نیروهای آلمانی باضافه نیروهای کمکی تقریبا بدویست پنجاه هزار سرباز تخمین زده شده و نیروهای جدیدهم که برسد بلافاصله بجنگ اعزام میکردند.

دشمن بامید اینکه وارشده موقتا اوضاع جبهه‌را تغییر دهد حداکثر نیرو های خودرا در این منطقه مرکز داده است.

درسمت جنوب هم در آوتش شوروی تحت فرمان مارشال رکو سوسکی و ژنرال زاخاروف که از دو طرف جاده راه‌آهن اصلی بین رشوو بالتیك پیش میروند اکنون از یکدیگر سی میل فاصله دارند و نیروهای آلمانی را از قلمرو عملیات خود بکلی بیرون کرده‌اند.

جبهه فرانسه

لندن - خبرگزاری رویتر خبر می دهد که در جبهه شمالی فرانسه نیروی انگلیس داخل لیزیو گردیده و بر طبق اظهار یکی از خبرنگاران رویتر جنك هنوز ادامه دارد. در باختر رودسن و در شمال باختری پاریس ستونهای آمریکائی صفوف دفاعی آلمانها را در هم شکسته و سن آندره دولو واقع در ۱۵ میلی دو ونو تانکو واقع در ۸ میلی شمال باختری در روز سوی واقع در ۲۱ میلی دور و اشغال کردند وازاین مواضع قسمتی از نیروی آلمان را که موفق بفرار گردید تهدید میکنند.

برطبق آخرین گزارشها یکه رسیده است ستونهای زره‌پوش ژنرال پاتن سن واقع در ۱۱۵ کیلومتری جنوب غاوری پاریس را اشغال کرده‌اند و بدینطریق نیروی متفقین بیکقدر از ۱۷۵ میلی مرز آلمان رسیده‌اند.

درجنوب باختری پاریس موفقیتهای قابل توجهی نصیب متفقین گردیده است.

در ناحیه اتان آلمانها مقاومت شدیدی ابراز داشته‌اند و خبرگزاری آلمان که این شهر وهمچنین شهر مالوب که در ۱۵ میلی خاور اتان واقع شده است تخلیه گردیده و در منطقه جنوب نیز آلمانها اتان را بمباران کرده‌اند.

چنین بنظر میرسد که آلمانها در منطقه مانت و کامبکور ابراز مقاومت میکنند و تاکنون ۳۰ تانك آلمانی منهدم گردیده است.

کربا یك مانور کامیونی بزرگ بمنظور محاصره تنگه کالاه آلمانها در باختر رودسن اکنون در جریان است.

قوای کانادائی تا انتهای مصب رود سن بیش از دوازده میل فاصله دارد وحال آنکه ستونهای دیگر متفقین از کرانه جنوبی رود سن بطرف کرانه پیش میروند و بینظرق دامی نزدیکتر از دام فالز در شرف ایجاد است.

اعلام میگردد که بیش از صدهزار تن آلمانی باسیران جنگی دردام فالز از جنك بر کنار شدند نیروی بازیك پیور و قع در کرانه را اشغال نموده و نیروی هلندی بحومه هوت رسیده‌اند.

در داخل پاریس نیروی فرانسه به آلمانها دویلس دولار بیسك و بولوار بول نون بنابر اظهار ژنرال کوینك مشغول روم میباشند و آتشبارهای سبك عملیات نیروی فرانسه را پشتیبانی میکنند اعلامیه حاکی است که مقدرین تلفاتی وارد آمده‌اند.

دیروز ژنرال کوینك از طرف ژنرال درگل بفرمانداری نظامی پاریس پس از استعلاص باختیار گماشته شد در جنوب فرانسه بنابا ظهار رادیوی الجزیره شور هیر واقع در ده میلی خاور تولون در کنار راه آهنی که در جهت استگاه دوبالی قرار دارد بدست نیروی فرانسه اشغال گردید و بموجب آخرین گزارش هائی که رسیده است یك ستون از نیروی آمریکا به ۸ میلی باختر آکس و یك ستون دیگری بنزدیکی آوبتیون رسیده است.

نیروی متفقین نیز ضمنا از مارسی بیش از ۳ میل فاصله ندارند دستجات دیگری نیز در شمال دراکینون پیشرفت سودمو کرانه‌ها و مانك را اشغال کرده بالاخره گزارشی که از نیروی ویسه واصل آن ازمرز فرانسه و اسپانیا از طرف خبرگزاری آمریکا مخابره شد میگوید که نیروی آمریکا و فرانسه مشغول حمله به بردو میباشند سپاهیان متفقین در روز ظهر در حومه شور نهم رسیده وحمله سومی را در شب آغاز کردند.

خبرهای گوناگون (رویتر)

ژنرال نور فرمانده کل داخلی لهستان دیروز سه شنبه اعلام داشته است که در کوی قدیمی شهر ورشو پیکار های بسیار شدید جریان دارد و بطور کلی مادر مواضع خود ایستادگی کرده‌ایم

...

ستاد ارتش متفقین دیروز اعلام داشته است عده‌ای از تانك‌های آمریکائی در نزدیکی رابوبو واقع در هفده میلی ورسای که روز چهارشنبه گذشته تصرف گردیده است مشغول پیکار های شدید میباشد. آلمانیها در کرانه های جنوبی رودخانه نوار توبخانه مصطفی تمرگزداد و شهر را به پادگان گرفته اند

...

پس از ورود لاوال به پلوو مامورین شهربانی آلمان و افراد چریك وبشی عملیات وسیعی مبادرت کرده و در این منطقه عده بسیاری را دستگیر کرده‌اند عمارتیکه آلمانها اشغال کرده‌اند رسیله سربازان صلح بتفکهای خودکار حفظ و حراست میگردد

...

ژنرال فرانباکر افسر نیروهای حمله و فرمانده یك سپاه آلمانی باهیئت ستاد خود در شکاف نرماندی به دست آمریکائیها اسیر گردیده است

...

دریاسالار بروس فراسر فرمانده جدید ناوگان انگلیس در خاوردور وارد بغداد شده وشام را مهمان نایب السلطنه عراق بوده است

...

مرکز رادیوی سویس روز سه‌شنبه خبر داده اند که آلمانیها ماوراك پتن را دستگیر کرده، به قطعه تا معلومی برده اند

...

جلو داران ارتش ژنرال پاتن اکنون به مرز آلمان نزدیك تر میباشند تا به شوبورك

...

اعلامیه امروز وزارت دریا داری آمریکا میگوید که تنها کشتی های نیروی ژاپن در جزیره گوام بالغ بر ۴۰۶۷ نفر میباشند سپاهیان مادر جزایر مارپان مشغول تصفیه اراضی از وجود نیروهای دشمن میباشند

...

امروز مرکز ستاد ارتش متفقین در ایتالیا اعلام داشت که در اثنای سه ماه اخیر که از ۱۱ مه شروع و بده اوت خاتمه میباید تعداد اسیران دشمن بدست ارتش هشتم گرفتار شده اند بالغ بر ۱۳ هزار تن میباشند

...

اعلامیه روزسه شنبه بنماد ارتش متفقین در ایتالیا حاکی است که ارتش هشتم پس از اشغال تمام شهر فلورانس اینك در آنور حوالی شهر مشغول عملیات میباشند. بیم آنکه مبادا شهر فلورانس میدان کارزار گردد بدین ترتیب مرتفع شد و هر چه بیشتر خطر بمباران توپهای دورزن آلمان از این شهر بر طرف گردد زندگی اهالی بسرعت بوضع عادی بازگشت خواهد نمود

...

دولت چکوسلواکی و دولت موقتی فرانسه اعلامیه مشترکی دایر بر الغاء عهدنامه مونیخ و کلیه اثرات آن از طرف فرانسه و استقرار مناسبات قبل از مونیخ بین دو کشور امضاء کردند

...

خبرگزاری سویس خبر میدهد دو قطار که می‌بایستی سربازان آلمانی را از آوبان بسویس حمل کند خالی وارد شده اند زیرا میهن پرستان فرانسوی از عبور آلمانی ها جلوگیری کرده اند

مسابقه ادبی آژیر

هیئت تحریریه روزنامه آژیر نگارش یك داستان ادبی (نوول) را در خصوص وضع اجتماعی کنونی ایران بمسابقه میگذارد حکمیت با آقایان ملك الشعراء بهار و سعید نفیسی و صادق هدایت و دکتر شفق و بزرك علوی خواهد بود

شرایط شرکت در مسابقه

۱ - داستان بیش از یك صفحه روزنامه آژیر نباشد
۲ - بفارسی ساده نوشته شده باشد
۳ - اقتباس یا تقلید از ادبیات بیگانه نباشد
۴ - باخط خوانا روی یك صفحه نوشته شده باشد
یاد آوری: پشت پاکت قید شود. «راجع بمسابقه ادبی آژیر»

جوائز

به نویسندگان سه داستان که درجه اول تشخیص داده شود سه جایزه بترتیب زیر اعطا خواهد شد

جایزه اول ۳۰۰۰ ریال
جایزه دوم ۲۰۰۰ ریال
جایزه سوم ۱۰۰۰ ریال

مدت مسابقه سه ماهست ودر اول آذر منقضی وتا یازدهم دی نتیجه اعلام میشود.

۳-۳

www.iran-archive.com

شاگرد مکتب دیکتاتوری آقای ابتهاج باسپور های بیچاره شهر تهران مانند اسیران قرون وسطائی معامله میکند

انجمن شهرداری وشهردار باید بدانند که باین وسیله شرم آور نمیشود حقوق یکعده کارگر بیدست وپا را پایمال کرد.

دوره زورگوئی وفتنه‌وفساد سپری شد. حقوق کارگر باید پرداخت شود برای اعتصاب کارگر را نمیشود اخراج کرد. این آرزو را دیکتاتورها باید بگور ببرند. ابتهاجها باید بدانند که کارگر هم بشر است کارگر ازشرافتمند ترین فرزندان ایران است بدون محکمه ورسیدگی قانونی نان اورا نمیشود قطع کرد.

ما آقای ابتهاج را بزودی با پرونده‌هائی که در مقامات قانونی دارند معرفی خواهیم کرد.

نابود باد زورگویان

سوم شهریور روز عبرت است

نه روز ماتم و نه روز جشن

بقیه ازصفحه اول

باهد افسران ومطلعین هم جرئت نمی‌کردند باو مطلب را حالی بکنند

در امور دیپلماسی هم همینطور بود هر آن‌هم خودرا استاد میدانست خیال میکرد اگر وزیرامور خارجه را فحش بدهد مثلا دولت بریتانیا و یا روسیه شوروی فورا ماست‌هارا کیسه خواهند کرد.

یا فلان وزیر مختار را اگر در جواب اولتیماتوم چندساعته دولت بی‌هوش یابی اعتنائی معطل بکند دول بزرگ از او حساب خواهند برد.

کی می‌داند بلکه‌حقیقتا هم‌ازآلمان ها پول گرفته بدام جاسوسان آنها گرفتار شده بود

شاید هم هایه‌ای که میگویند از متفقین‌دو مقابل اجازه استفاده ازراه‌های ایران پول توقع داشت صحیح باشد! بهرحال حکومت‌فردی حکومت شخصی حکومت فعال مایشائی غیراز این‌تیری نمی توانست داشته باشد.

ملت ایران بایدازاین عبرت بگیرند مردم میهن پرست ایران باید چشم و گوش خودرا باز کرده غریب نعمات هومی که از طرف عده معلوم الحال بیهاله ها و عناوین گوناگون برای بساط دیکتاتوری و حکومت فردی وپیشوا سازی و نابه تراشی بر خاسته نخورد.

والنکهی شاه ساق نمیدانست که هوا تر سیاست غداراته خود ملت را رنجانیده از خودورد کرده است

اوتمی توانست بفهمد که‌ملت‌ایران همیشه بهمین علت ازپیروهای ضعیف‌تر از خود شکست خورده است چه برسد بنیروهای‌منظم وارتش های معیرالعقول جهان او نمی دانست بفهمد که‌هریها و مخولهاوسایر جهان کشایان حتی‌اسکندر مقدونی هم برای این پر ایرانیان غلبه کردند که ملت ایران دراثر ظلم‌وفشار وتعدی سلاطین و بزرگان خود بستوه آمده حاضر نبود ازدولت خود حمایت بکند نظیر این راما در ممالک بسیاری مشاهده کرده‌ایم درجنگ ۱۹۰۵ روسیه تزاری فقط روی‌این احساسات ملی‌ملی بود مغلوب شد.

سنی در جنگ بین‌المللی گذشته‌هم یکی از هلل بزرگ شکست سربازان تزاری و پیشرفت انقلاب هیچ‌موضوع نبود.

امروز هم علت پیشرفت حیرت‌آور آوتش سرخ روی عکس این قضیه‌است هو مغلوبیت آلمان‌ها هم بطورحتم این عامل تاثیر دارد وبطور حتم علت‌سقوط موسو لینی وبدبختی ملت ایتالیارا در این باید جستجو کرد.

پیشرفت وسقوط امپراطوری‌عظیم فاپلئون مدیون این علت اساسی بود ازبین رفتن امپر طوری رم قدیم را شیراز این‌دلیل‌نیست در انقراض غلاظت سلسله هخامنشیان این علت اساسی نقش اولی را بازی کرده است.

آری ملت‌ایران‌ازبربار ظلم‌بیدار گری بستوه آمده خسته و فرسوده‌شده بود. افسر باستثنای‌عده معدودی‌به‌ثروت و سامان وزندگی لوکس عادت کرده بود نمیخواست آنرا فراموش کرده‌خود را بکشتن بدهدبازحمت بیندازدسربار نمیدانست برای چه و بچه‌علت‌کی باید جنگ بکند.

ملت‌هم که‌بدولت و شاه‌وزمامداران خود علاقه ای نداشت بلکه‌میخواست اتفاقی پیش آید که از زیر فشار آنها بیرون بیایدملاحظه‌میفرمایید اینکه‌چقدر باریک وچقدر عبرت‌آور است.

امروز هم دچار این مصیبت هستیم

هنوز هم دولت ومجلس ونمایندگان و زمامداران بتقلید کبک سرخودرا زیربرف فرو برده خود نمیبینند و تصور میکنند کسی آنها را نمی‌بیند. بدبختی‌مادراین است ملت را هنوزهم به بازی نمیگیرند هنوزمنافع اورا زیر پا میگذارد هنوز هم خیال میکنند اگر وسایل و زوری که دارند بمنافع خود بکار ببرند برای همیشه میتوانند وضعیت را طبق سلیقه خود نگهدارند نمیفهمند که دنیا عوض شده است دولتهاناچارند پیش‌ازهر کاری به تامین و آسایش اکثریت ملت بپردازند کارگر وزارع وکاسب و طبقه سوم‌است که توده ملت را تشکیل میدهد. اینها خیلی هم نفهم نیستندمخصوصا منافع‌خود را خوب تشخیص میدهند. میدانند که تدابیر وقوانین ومقررات وآئین‌نامه‌های گوناگونی که از دوائر دولتی صادرمی شود هم بضرر آنها وبرای غارتکردن جیب آنها است.

چنین ملت ممکن نیست‌در پیش‌آمد های خطیر از چنین دولتی حمایت بکند. ملت خودرا باکنگ و اردنگی دامن بیگانگان میاندازیم و از افراد توقع داریم بیایند برای ما فداکاری بکنند. هنوز هم در باینتخت‌کشور ما اشخاص سیاسی پیدا میشودکه میخواهند بساط خان خانی و ملوک‌الطوایفی را از نو زنده کنند. اشخاصی هستندکه خیال می کنند اگر چرخهای تاریخ‌را عقب کشیده آخوند بازی سی و چهل سال پیش را زنده‌کرده قضاوت و منبر و رتق وفتق امور را بدست آنها بدهند کار بزرگی کرده اند. اشخاصی هستندکه هنوزهم خیال میکنند رعیت بنده زرخرید آنها است وبا آنها مطابق دلخواه خود می توانند معامله بکنند. هنوزهم دولت و مجلس‌ملی حاضر نشده‌است راه‌حل‌راه‌ین که اکثریت ملت ایران را تشکیل می دهند کوچکترین قدم قانونی بردارد.

کارگران وطبقات دیگرهمچنین کسی بحقوق آنها بحسابی وآینده آنهااهمیت نمیدهد. اگر اتفاقادو کرمان و بزدوسایر شهرستانهای دیگرتاجری‌ازروی‌دشمنی‌شخصی بقتل برسد هیاهوی نمایندگان تمام ایران ازپلرزه در میآورد و دولت برای رسیدگی آن فورا کمیسیونها راه میاندازد. ولی‌قتل عام کارگران تبریز و نادیده میگیرد و خیال میکنند با ماست مالی می شود احساسات بکطبله یکبلیونی را خفه کرد این اوامثال اینها است که ملت را از دولت دلسرد و بیزار میکنند اثر این سیاست جاهلانه بود که انفجار سوم شهریور پیش آمد و اسم آرتش‌ایران لکه دار شد.

از اینجهت است که ما میگوئیم‌هزا وجشن هر دو جنایات است برای رژیم نحس دیکتاتوری نباید ملت ایران هوا بگیرند. جشن هم‌نباید گرفت برای‌این که آن رژیم هنوزهوش نشده است‌هنوز ملت ایران چیزی از آزادی ندیده است که برای آن جشن بگیرد حتی‌ازپیروی آزادی بخش منتقین هم طبقه مرجع و اشراف استفاده کرده منافع مصالح عالیه کشور بناء حفظ مناسبات خارجی گرده ملت ایران سوار شده است البته سقوط شاه سابق موجب سرت است‌درصورتیکه جای اوحاکمیت‌ملت قرارمیشد بکشاه رفته هزار شاه جای‌آن نشسته است بلکه دیکتاتورسقوط کردصد دیکتاتوربیدا شد گردیکرقوت گرفته‌بازیک میدان‌شده‌اند ازاین بایدعبرت گرفت‌اینرا باید مطالعه کرد برای این باید چاره جوئی نمود.

جشن وهزاکارپیروزدیکتاتوری‌خردسالان است مردان هیچ‌شاه‌ازشکستها وپیروزیها درس عبرت میگیرند و آنرا در آینده بکار میبرند.

www.iran-archive.com

ستون آذربایجان

از تبریز

توسط آقای شریعت زاده نماینده محترم مجلس شورای ملی مجلس مقدس شورای ملی روانوشت مقام نخست‌وزیری وروانوشت وزارت جنگ وروانوشت ستادارتش وروانوشت وزارت دادگستری وروانوشت روزنامه آذربایجان وروانوشت مور ایران محترما عرض میرساند از قافله شهریور ماه باین طرف آقایان صمد پیمادری افتخار جمشید اسفندیاری صارمی کاظمی ها سلمان مادری صمصام گوران پایر خان و ۰۰۰ از این قبیل اشخاص در سایه چوال گری و خوبه فروش اسلحه و مهمات دولتی و مکیدن خون بیچاره رعیت هریک صاحب ملیون ها دارائی و تمول شده اند و متجاوز از هفتاد و پنجهزار گوسفند و دو هزار و صد و پنجاه نفر شتر و هزار راس اسب و تمامی اشیاء سیصد خانوار این جانیان رابغارت برده اند و عده‌ازجماعت ابلات را به قتل رسانیده اند هرقدر به اولیاءامور شکایت کرده ایم متاسفانه نتیجه نبخشیده و ترتیب اثر داده نشده فقط در موقع تصدی سرتیپ کر مقدم استاندار مبلغ بیست و دو هزار تومان بابت آن همه اموال غارت شده به اینجانیان‌داده‌شده باز مطلوب اصلی اولا معرفی و شناساندن اشخاص نامبرده‌ثانیا باولیای امور بوده و از این راه‌خدمت به میهن و ملت میباشد ثانیا جمعاوجدا تقاضا می نمائیم که بذل توجه فرموده بقیه‌اموال ما را از گسانی که هویت و نام و نشان آنها کاملا معلوم میباشد گرفته مسترد دارند و متمردین وخائنین ملت ودولت را بکیفر اعمال‌خودبرسانند بدیهی‌است بذل توجه فرموده و بیش‌از این بدبختی این جانیان که حقیقتامظلوم واقع گشته ایم راضی نخواهید شد در خاتمه توجه اولیای امور را باین نکته معطوف میداریم که سوابق و پرونده مفصل اموال غارت شده بوسیله‌اشخاص فوق‌الذکر در استانداری و ژاندارمری آذربایجان‌موجود وبامراجعه وملاحظه پرونده و تحقیقات از اشخاص و خدمت گذار صحت و حقیقت عرایض اینجانیان معلوم و ثابت خواهد شد.

از طرف ایل حاجی علی لو وآقا باش لو و حیدرلو احد حاجی علی لو

از تبریز

مقام محترم نخست وزیری کپیه مجلس شورای ملی کپیه وزارت‌کشور کپیه وزارت جنگ کپیه آقای اسعد کپیه سلندجی کپیه‌آقای‌اسکندری امیرنصرت کپیه آقای فرمانفرمائیان کپیه آقای دکتر شفق کپیه آقای صدر قاضی کپیه روز نامه باختر کپیه رعد امروز کپیه مردم کپیه آذربر کپیه دماوند باوجود آفتابی شدن دخالت‌های مامورین‌منطقه سقز باوجود تصدیق بازرس وارثی‌با آن‌همه اعتراضات قانونی که تا کنون تقدیم شده اسرار دولت‌در تحمیل‌جیب محیط بوکات سقز چیست آیا این همه جدیت در پرده پوشی افتضاح کارهای رسوائی هائی که بادست فرمانده تیپ‌سقز عمل آمده معنیش کدام‌است باوجود این جریان‌آیاحق نداریم‌تصور کنیم دولت از تمام کردها صرفنظر کرده فقط می گوید محیط ما را کافی است آیا میتوان‌مفهومی غیر ازاینکه عرض شد برای این جریان نگیمن‌قائل شد اینک برای صدمین بار فریاد و استغاثه خود را بسگوش اولیای امور وسایندم خداوندرا شفیع قرار میدهیم که بیشتر از این دربین کردها وسایر ایرانیان تبعیض قائل‌نشده دستورتجدید انتخابات و آزادی آراء وعدم‌مداخله فرماندهان رادصادر فرمایند از طرف عموم اهالی باه و کورك وخووخوره

۲۱ر۵ر۲۳ قادر خان زاده محمدرشید

فداکار اسوار را فاش کرد

آقای فداکار نماینده دلیراصفهان در جلسه اخیر مجلس شورای ملی یکی از مهمترین مسائل اقتصادی مارامطرح مذاکره قرارداد و هرچه‌وزیر پیشه‌وهر طلوعه زد که شاید گریبان خودرا ازچنگ این نماینده خلاص کند موثرنشدموضوع سود صدی دوازده کارخانه‌ها بود که امروز در برتو حمایت دولت به هزار درصد قانع نیستند.

جواب‌های وزیر پیشه وهنربقدری خنك وبی‌منطق بود که مرتجع ترین نمایندگان مجلس و حامیان صاحبان — سرمایه خجالت کشیدند ازادوفاع کنند طرق اظهارات آقای‌فداکاراز‌قانون‌مزبور فقط دولت‌در مورد معامله با رشیدیان استفاده کرده است!!!

مسئله سودصدی دوازده‌کارخانجات واکسی‌غیرازفداکار در مجلس نیزاوست متوجه شود

فداکار که در مهمترین مرکز کارگری ایران تشکیلات وسیع کارگری داده بود و طی دوسال مبارزه جدی و خستگی ناپذیر موفق شده‌بود یکی‌پس از دیگری سدهای ارتجاع را شکسته حقوق کارگران را بایك تاکتیك عالی بگیرد

در ضمن جریان‌اعتصاب‌اخیراصفهان و عمل شجیعانه شود برای بکارانداختن کارخانه‌ها درغیبت صاحبانشان بکاربرده بود خوب متوجه شده‌بود که‌تاچه پایه صاحبان صنایع ریسندگی خون مردم‌را میمکنند وچطور خارج از محیط کارخانه مردم را استثمار میکنند‌وحتی‌خوب‌توجه کرده بود که‌چطوردولت مرتجع‌ازآنها تقویت می کند و قوانینی که بضرر این طبقه تصویب می شود مسکوت الاجرا می گذارد.

راقما عجیب است که‌قیمت یك‌متر پارچه پشمی کارخانه کازرونی که تمام مواد اولیه اش دراین جریان خریده‌می شود برابراست باقیمت یکمتر پارچه خوب انگلیسی که از هزارها کیلومتر باایران وارد می‌شود!!..

هیچکس نیست که این غارتگری صاحبان صنایع را مانع شود.

صاحبان کارخانه‌های ریسندگی در پرتو حمایت دولت و سلطه بازی های خطرناك بورس سیاهی در بازار داخلی ایجاد کرده اند وباین‌وسیله موفق‌شده اند قرقره بانزده شاهی را بانزده ریال بفروشند.

چندی پیش یکی ازجرایدولایات صورتی از قیمت حقیقی محصول تمام کارخانجات ریسندگی اصفهان‌راچاپ کرده بود که‌انسان را دچار حیرت‌می کرد یك‌سهم هزاریالی کارخانه رابنده رودتا کنون یکعدو بیست‌وسه‌هزاریال سودداشته و اکنون قیمت آن بیست هزاریال است!!..

تصور نمیکنم‌درهیچ‌جای‌دنیاهر کت سهامی موفق شده‌باشد تا این اندازه به صاحبان سهام‌خود سود بپردازد.

سود صاحبان‌سهام از کجاتامین‌شده است از مکیدن خون زن‌ومرد زارع‌و کارگر ایرانی از فروختن پارچه‌متری یك ریال به ۴۰ ریال از استفاده‌حمایت دولت...

فداکار با بیانات خود پرده ازروی کار این آقایان برگرفت واقعاساحسی نردن حتی بود که‌درجلسات‌اخیرمجلس پیش آمده است

دولت بقدری دست‌پاچه‌وبیانات فداکار بقدری نقطه حساس آقایان را درد آورده بود که‌دولت مجبورا مجبور شد تمدید مدت‌قانون مزبوررا بخواهد

انتظار داریم آقای فدا کار با اطلاعات کافی که در این زمینه دارند بیشتر در انتشار حقایق اعمال صاحبان صنایع بکوشند